

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۴

(ص ۹۳- ۱۰۷)

ترجمه و بررسی یک متن غیریغی سغدی (نامه پنجم سغدی)

سعید نظری*

چکیده

از زبان سغدی در دوره باستان زبان‌های ایرانی اثری بر جای نمانده است، ولی در دوره میانه آثار متعددی از این زبان در دست است که یکی از مهم‌ترین آنها، نامه‌های کهن سغدی است. این نامه‌ها را سیر اورل استاین در سال ۱۹۰۷م، در یکی از برج‌های نگهبانی دیوار چین یافت. این اسناد، شامل پنج نامه کامل و چهار پاره شبیه نامه است. نامه پنجم، از سوی مردی به نام **فری-خوتاو**، از اهالی **گوزانگ**، در ۱۱ می سال ۳۱۳ م به اسپندات، ساکن ختن نوشته شده و دربردارنده نام محصولاتی از قبیل نقره، پارچه کتانی، فلفل و ... است. نگارنده در مقاله حاضر، به بررسی و ترجمه این نامه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سغد، نامه‌های کهن سغدی، نامه پنجم

* دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنجند
ma_nazar84@yahoo.com

مقدمه

نامه‌های کهن سغدی

کهن‌ترین نوشته‌های زبان سغدی، خطوط حک‌شده بر روی سکه‌های سغدی است که اغلب پس از قرن پنجم میلادی ضرب شده‌اند. این سکه‌ها که در زادگاه قوم سغد، به‌ویژه نواحی بخارا و سمرقند پیدا شده‌اند، تنها، اطلاعاتی دربارهٔ برخی نام‌ها به دست می‌دهند و محتوای قابل ملاحظه‌ای ندارند. اما در سال ۱۹۰۷ باستان‌شناس نامدار مجار، «سر اورل استاین»^۱ در جریان کاوش‌هایی که در مسیر جادهٔ ابریشم انجام داد به اسناد گرانبهائی دست یافت. این اسناد که در یکی از برج‌های دیده‌بانی مخروبهٔ سلسلهٔ هان، در ۹۰ کیلومتری غرب دون-هوانگ^۲ در ایالت گانسو^۳ و ۵۵۰ کیلومتری شرق لولان^۴ در محوطهٔ باستانی T.XII.a (نک: تصویر شمارهٔ ۱) به دست آمد، نامه‌های کهنی بود که به زبان و خط سغدی توسط سغدیان مقیم سین-کیانگ^۵ (ترکستان چین) و گانسو، خطاب به هموطنانشان در غرب

^۱ Sir Aurel Stein

^۲ Dun - huang در شهر جیاو-کوان، شرق ایالت گانسو واقع است. این شهر مرزی که دروازهٔ راه تجاری آسیای مرکزی محسوب می‌شد در ۱۱۷ پیش از میلاد، توسط امپراطوری وودی (Wudi) از سلسلهٔ هان تأسیس شد. شهر دون-هوانگ آخرین منزلگاه امن برای مسافران و بازرگانان جادهٔ ابریشم بود و بازرگانان پیش از حرکت به سوی سین-کیانگ، مدتی در این شهر برای استراحت و تیار اسبان و اشتراک خود توقف می‌کردند و در موگاو Mogao (غارهای هزار بودا) برای ایمنی در سفر به دعا و نیایش می‌پرداختند. با توجه به موقعیت این شهر در آن روزگار، می‌توان گفت که دروازهٔ ورود مبلغان آیین بودایی، و محل تقاطع دو شاخهٔ مهم جادهٔ ابریشم بوده‌است.

^۳ Kan-su/Gansu با مساحتی در حدود ۴۵۴۰۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرق چین واقع شده‌است. این شهر در که مسیر جادهٔ ابریشم قرار داشته در تبادلات اقتصادی و فرهنگی میان چین و غرب نقش بسزایی ایفا می‌کرده‌است.

^۴ لولان (Lou - lan) یا کرورانا، شهر تجاری کوچک و مترقی با تاریخی ۱۶۰۰ ساله و جمعیتی چهارده هزار نفری بود. این شهر، با دون-هوانگ و شهر نیا هم‌مرز و در غرب دریاچهٔ لوپ نور واقع شده بود. لولان، قلب جادهٔ ابریشم به شمار می‌آمد و به منزلهٔ پل ارتباطی چین و غرب بود. لولان با تمام شهرت و اهمیتی که داشت، در ۶۳۰ م ناگهان از صحنهٔ روزگار محو شد. باستان‌شناسان معتقدند که شرایط بد آب و هوایی، طغیان رودخانه‌ها و نیز تغییر مسیر جادهٔ ابریشم، سبب نابودی این شهر بوده‌است. پس از ۱۶۰۰ سال، در ۲۸ مارس ۱۹۰۰ میلادی، کوبرشناس سوئدی، سون هدین (Sven Hedin) این شهر را در زیر شن‌های داغ صحرا تاکنون کشف کرد.

^۵ سین-کیانگ (Xinjiang)، نامی چینی و به‌معنای «رودخانهٔ غربی» است. در زبان فارسی آن را ترکستان چین می‌گویند. این ایالت با وسعتی در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرق چین قرار دارد و از غرب با کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و پاکستان، از جنوب با فلات تبت، و از شرق با ایالت گانسو همسایه است. مرکز آن اورومچی (Urumqi) و شهرهای مهم آن کاشغر، ختن و ترفان است. ایالت سین-کیانگ در زمان سلسلهٔ کینگ بدین نام خوانده شد.

(سغدیانا و سمرقند) و برخی از نواحی منتهی به چین، مانند **دون-هوانگ**، **سوز-هو**^۱، **کوزانگ**^۲ و **جین-چنگ**^۳ نوشته شده بود. میان شهرهای مزبور و سرزمین اصلی سغد - به ویژه سمرقند - رابطه‌ای بسیار نزدیک وجود داشته‌است. نامه‌های مورد بحث، تحولات سیاسی چین شمالی، ناامنی راه‌ها، مشکلات و مسائل تجاری سغد، شرایط زندگی و فعالیت روزمره بازرگانان ساکن **لوپانگ**^۴ را بازگو می‌کند (Sims-Williams, 2001: 47).

به نظر می‌رسد که این نامه‌ها در کیف پستی، در مسیر عبور از مرکز چین به غرب، توسط نگهبانان مرزی چین مصادره شده و هرگز به دست دریافت‌کنندگان نرسیده‌است. این اسناد، شامل پنج نامه کامل و چهار پاره شبیه به نامه است که در لفافی از ابریشم قهوه‌ای‌رنگ و درون یک پاکت پارچه‌ای زیر از جنس کتان کشف شده‌اند (نک: تصویر شماره ۲). تمامی این نامه‌ها تا شده بودند و این تاخوردگی، نوشته‌ها را تا حد امکان محفوظ نگه داشته‌است. البته آسیب‌دیدگی‌های جزئی در لبه بیرونی برخی از نامه‌ها وجود دارد. کاغذهای مرتب‌شکلی که این نامه‌ها بر روی آن نوشته شده، از لحاظ ابعاد، از نظم ویژه‌ای برخوردار است که خود بیانگر رعایت اندازه‌ای استاندارد برای این اسناد است؛ عرض نامه‌های سغدی در حدود ۲۲ سانتیمتر است که اندازه استاندارد نامه‌های آن روزگار بوده‌است.

پژوهشگران درباره تاریخ دقیق تحریر این نامه‌ها اختلاف نظر دارند، به عقیده سِر اورل استاین، این نامه‌ها در سال ۱۳۷م نوشته شده‌است. هنینگ در مقاله «تاریخ نامه‌های سغدی»، نظر استاین را رد کرده و معتقد است که حوادث و اتفاقاتی که در نامه دوم به آنها

^۱ امروز **سوز-هو** (Suzhou) با نام **جیاو-گوان** خوانده می‌شود؛ جیاو-گوان که در شمال غرب ایالت گانسو واقع است، مانند شهرهای دیگر این ایالت از اهمیت ویژه‌ای در جاده ابریشم برخوردار بوده‌است.

^۲ امروز، **کوزانگ** (Guzang) با نام **وو-وی** (Wuwei) خوانده می‌شود. وو-وی، در شمال شرقی گانسو قرار دارد.

^۳ **جین-چنگ** (Jincheng) که امروزه با نام **لان-جو** (Lanzhou) شناخته می‌شود، مرکز ایالت گانسو است و در شمال آن واقع شده‌است.

^۴ **لوپانگ**، یکی از شهرهای شمالی **هنان** است که از نظر تاریخی، بسیار کهن و سال‌ها پایتخت سلسله‌های بزرگ چین بوده‌است. از این شهر به عنوان یکی از هفت پایتخت بزرگ چین باستان یاد می‌کند.

اشاره شده^۱، مربوط به سال‌های ۳۱۱-۳۱۲ میلادی است. ولی فوجیدا^۲ و هارمات^۳ با نظر هنینگ مخالف‌اند. به نظر هارمات، حوادث مذکور در نامه دوم در سال‌های ۱۹۰ تا ۱۹۵ م رخ داده‌است، درحالی‌که فوجیدا، تاریخ نامه‌ها را قرن ششم میلادی می‌پندارد. اما سیمز ویلیامز نظر هنینگ را پذیرفته و معتقد است که ویرانی شهرهای لویانگ ویه و فرار امپراتور از لویانگ در سال ۳۱۱ م به وقوع پیوسته‌اند (Hening, 1984: 1). به‌هرروی، با توجه به رویدادهای مذکور در نامه‌ها می‌توان حدس زد که این نامه‌ها ۱۱ می ۳۱۳ م نگاشته شده‌اند.

نامه پنجم

نامه پنجم با ابعاد ۲۲ × ۳۰ سانتیمتر، به‌صورت دو بسته تأخورد که حاوی چهار پاره نامه فرسوده بودند، در سال ۱۹۰۷ م در محوطه باستانی «T.XII.a» در غرب دون-هوانگ به دست آمد. یک پاره از این چهار پاره متعلق به نامه ششم بوده که با حرف A علامت‌گذاری شده و در پشت آن، نشانی نامه به چشم می‌خورد. پاره دیگر را با حرف B مشخص نموده‌اند و در دو طرف آن نوشته‌ای دیده می‌شود. پاره سوم را با حرف C نشان داده‌اند که در زیر پاره A قرار گرفته‌است و نوشته‌های این پاره را کامل می‌کند. آخرین پاره نیز با حرف D نشان داده شده‌است. به نظر می‌رسد که پاره‌های اول، سوم و چهارم را به هم چسبانده و تا زده و با نخ به دور پاره دیگر پیچیده‌اند (Sims-Williams, 2001: 91). پس از بازسازی پاره‌های فرسوده، متن اصلی به‌صورت یک نامه کامل به دست آمد که حاوی ۲۳ خط افقی -از راست به چپ- و در حاشیه سمت راست نامه، ۹ خط عمودی -از بالا به پایین- است که بخش‌هایی از آن، در گذر زمان از بین رفته‌است (Reichelt, 1931: 31). نامه پنجم تقریباً کامل است، ولی به سبب فرسودگی، سوراخ‌های بزرگی در سطور ۱۷ تا ۲۱ و ۱ تا ۴ آن دیده می‌شود که خواندن این قسمت از نامه را دشوار می‌کند. این نامه برای نخستین بار توسط رایشلت مورد بررسی قرار گرفت (Henening, 1948: 615). نامه از سوی مردی به نام

^۱ منظور تاراج و ویران شهرهای لویانگ و یه (Ye) فرار امپراتور از هون‌ها است. شهرستان یه یکی از شهرهای باستانی چین است که در ایالت هنان واقع شده‌است.

^۲ Fujieda

^۳ Harmatta

«فری-خوتاو»^۱ از اهالی «گوزانگ» به «اسپندات»^۲ ساکن «ختن»، در ۱۱ ماه می سال ۳۱۳ م نوشته شده است. گاتوس^۳، شریک تجاری نویسنده نامه او را ترک کرده و به همین سبب، وی این نامه را از سر اندوه و با عجله و بی دقت نگاشته است. نگارنده در این نامه به ناآرامی در شرق چین و مبادلات اجناس در ناحیه گوزانگ پرداخته است.

حرف‌نوشت

$(D \ \beta\gamma w)$	$[pyšt]$
$(x)wt'w$	$(MN) \ xyp\delta$
$s'rt'p'w$	$(\beta)ntk$
$'sp'n\delta('t)w$	$[p](ry) \ [xwt'w]$

- 1 $'D \ \beta\gamma w \ (xw)t'w \ 'sp'n\delta't \ 'prywn \ nm'\delta'w \ ('P)Z(Y)[š \ šyr] \ my\delta$
- 2 $ZKZY \ wyn't \ drwk \ 'n\delta'w \ š'txw \ 'pw \ r'\beta w \ 'xw \ (ns)wntw^4 \ M[N \ pryxwt'w]^5 \ xyp\delta y$
- 3 $\beta ntk \ 'HR(Z)[Y](m)^6 \ [\] \ [(Z)[K \ my\delta \ prtr) \ 't \ 'YK(ZY)\beta n[\] \ (x)wt(y)[\ wyn'n^7$
- $'PZY](t)n^8$
- 4 $'č \ nztw \ n(m'\delta'w^9 \ \beta)r'n \ (')[YK](Z)Y^{10} \ wysnw \ \beta\gamma'nw \ 'HR[ZYM \ '](č)$
- $čntr(s)'r^{11} \ my\delta$

¹ *Fri-khwatāw*

² *Aspandhāt*

³ *Ghāwtus*

^۵ رایشلت: $m////////$

^۴ رایشلت: $'xwčwšw$

^۷ رایشلت: فعل مضارع اول شخص جمع $wyn'ymn$

^۶ سیمز ویلیامز: ضمیر اول شخص جمع $-mn$

^۸ سیمز ویلیامز با توجه به بافت جمله، این واژه را اضافه کرده است.

^{۱۰} رایشلت: $////////y$

^۹ رایشلت: $nm.č$

^{۱۱} رایشلت: $'XR////////r$

- 5 *myδ 'βzt(rw)¹ ptywšt L' prtrw 'HRZYn ('č) ('x)[wrmztkk']('č)w np'yns'(w)³*
- 6 *(K)δZY [xwty] [w](yt)['rt⁴ 'HRZ(Yš) 'čw wm't (':)[...] (p)y*
[.....]δ....](n')t
- 7 *pwštym⁵ ('H)RZY n'y kč'ny 'skw'm 'HRZY L' w(r)δ L' mrδ wytr'm*
- 8 *'HRZY mδ 'č⁶ 'βyxw'r⁷ nyst 'HRZY kč'ny⁴ βn(t)⁸ 'sptyč pr prstw*
- 9 *'PZY p'δ p'δ[.] 2 1LP (5)00 pr prstw⁹ 'PZY 'δβ prstk n(..y)t*
- 10 *'PZY 5 prstk rysk¹⁰ 'PZY ½ styr n'kr(t)k 'HRZY 'YK γ'wtws*
- 11 *'č kč'n (w)yt'rt 'HRZYš pyš wyt'rt'ym 'HRZYm 'γt(ym) 't*
- 12 *δrw'n '(H)RZYm βyk[y]s'r pry'stw¹¹ "(v)['](β)t¹² 'HRZY(n) (p.)[.] γ'wtws*

- ^۱ رایشلت: *r'skw* ^۲ رایشلت: *č.////////čw*
- ^۳ رایشلت: *np'ys'w*. شایان ذکر است که این واژه در بند ۳۰-۲۹ نامه دوم به صورت *YKZY np'ys'w* به کار رفته‌است. *np'tns* تنها ستاک حال از فعل «نوشتن» است که از *ni - pinsa ** ایرانی باستان می‌آید (قس). آسی *finzun/fyssyn*). با توجه به اینکه در این واژه و واژه *xwnswntw* که در بند دوم به کار رفته، دو صامت دماغی *n* وجود دارد، طبق فرایند ناهمگونی *ns* به *s* بدل شده‌است.
- ^۴ رایشلت: *...////////rt*
- ^۵ ریشه *pwštym* از واژه سغدی مسیحی *pw'zwny* به معنای «خلوت، دوری، دور افتادگی» از *pw'zy* مشتق شده‌است.
- ^۶ رایشلت *č' mδ* را به صورت *mδ'k* - به معنای «شراب» - بازسازی کرده‌است.
- ^۷ رایشلت: *'ryxw'β*. سیزویلیامز این واژه را «کاروان» ترجمه کرده‌است.
- ^۸ رایشلت: *βnt* از واژه ختنی: *-banda* و به معنای «بسته»
- ^۹ د. واسیلا معتقد است که *prst* - اسم فعلی از *prsty* به معنای «فرستادن» است.
- ^{۱۰} رایشلت معتقد است که واژه سغدی *rysk*، به معنای «برنج» است که به صورت *ryz'kh* نیز به کار رفته‌است.
- ^{۱۱} ریشه این واژه نامعلوم است و سیزویلیامز آن را تحت اللفظی، «مانع شدن» ترجمه کرده‌است.
- ^{۱۲} رایشلت: *".////////*

- 13 $p'r\acute{s}t\acute{c}^1 r'\delta wh\ wyt'y\ 'HRZYmn^2 ZKh\ \acute{s}'wkt\ nyznyt'y\ 'HRZY$
- 14 $\gamma r\beta y\ swy\delta [y](k)\ 'mtk\ wm't\ ZKZYtn\ nyzt'y^3\ 'HRZY\ L('n)yzt^4$
 $'(k)[r]t'nt$
- 15 $p'rZY\ ZK\ \gamma(')wtws\ ZKy\ \gamma ry\ wyt'rt\ 'HRZYn\ 't\ \delta rw'n\ ptt'w^5\ p'rZY$
- 16 $mntzy'mk^6\ wm'tnt\ 'HRZYt\ ptwy\delta'm^7\ '\acute{c}\ 'pr'k\ ('m)\ sr\delta(m'n)yt^8$
- 17 $(p'rZY\ ny)[..\delta[..\ 's(py\acute{s}y^9\ 'skw)'m\ k(\acute{c})'ny^{10}('H)[RZ](Y)m[...][.....]..$
- 18 $'HRZYm\ ny[.....]'w\ kwn(y)[n](t)\ '(H)RZYm\ ZKy\ '(\beta y)[..]\gamma(w)[..][..]\ K(\beta)$
 $[.....]..'sry$
- 19 $\beta yr'y(nt)\ (')[HRZ](Y)mn^{11}\ pr\ [..]'\acute{z}mw\ '\beta z'w'ynt^{12}\ '(H)RZY[...][..]\ k'\delta yw^{13}$
 $[..\beta z\beta r'k$

^۱ واژه $p'r\acute{s}t\acute{c}$ صفت فاعلی از واژه سغدی مسیحی $fry\acute{z}$ به معنای «راست کردن، درست کردن» است که با اسم $r'\delta$ همراه است.

^۲ رایشلت، ضمیر mn - را به صورت حرف اضافه MN حرف نویسی کرده است.

^۳ رایشلت: $zynt'y$ ^۴ رایشلت: $xynt$

^۵ ترمبلی (Tremblay) معتقد است که این واژه، شرطی اول شخص مفرد از $ptt'w$ و یا $pt'w$ به معنای «اقامت کردن» است. از دید ریشه شناسی tt - از واژه $pati - t\acute{a}wa$ * بر جای مانده است.

^۶ این واژه به معنای «بدون پول» است و از واژه $zy'mk$ به معنای تحت اللفظی «در پایان، بالاخره، تمام، کاملاً» می آید و در بند ۵۶-۵۷ نامه دوم، به صورت $zy'mk$ و به معنای «پول» و در بند ۹-۱۰ نامه نخست به صورت $zy'mk$ و به معنای «بدون پول» به کار رفته است.

^۷ بر اساس بافت جمله، واژه $ptwy\delta$ را «وابسته بودن» ترجمه کرده ایم (نک: ادامه مقاله).

^۸ بر اساس بافت جمله، $sr\delta m'nyt$ را «یاری، کمک» ترجمه کرده ایم. این واژه، اسم انتزاعی از $sr\delta m'n$ به معنای «خوشحالی» است.

^۹ رایشلت: $//////y////...////$ ^{۱۰} رایشلت: $//////m//////$

^{۱۱} رایشلت: $////////mn$ ^{۱۲} رایشلت: $\beta n'p'ynt$

^{۱۳} رایشلت این واژه را حرف نویسی کرده است.

- 20 'ym 'HR(Z)Y....]mn.[.]y .[....](tk) ZNH čy(r)[.].tn [..](.H)[RZ]Ym
- 21 KZNH pt(γw)š(t) xrstrnk¹ ZYt 20 styr n('k)[rt](k) p(r)[t](w) [δ'r](t)²
'H(R)ZY³ KZNH
- 22 ršt⁴ βr"mw⁵ 'HRZYm δβrtw δ'rt⁶ ZKw n(')krtkw 'H[R](Z)Ym⁷ ptm't⁸
- 23 'HRZY 4½ styr 'spt⁹ 'HRZY m ptβršt (k)δZYm (20) s(tyr) [prs](t')tw¹⁰
- 24 δ'rt¹¹ 'čwZYm 4½ styr δβry 'HR[Z]Y KZNH wytw
- 25 δ'rt¹² 'spnd't ZYm 'βyrtw δ'rt¹³ 'wy r(')δyh 'HRZYm
- 26 δ(βrtw) δ'(rt) 'H(R)ZY (KZ)NH wytw δ'(r)t 7½ s n'(k)rt(k) KZNHm
pr 4 styr 4 δ(n)k¹⁴
- 27 'st(k)[.](m) 'β[y]'r(t) 'HRZY ZKy š'wkty ZK n('kr)tk
- 28 'yt p'rZ(Y) KZNH wytw δ'r'n(t) 'zy(')mk¹⁵ ZYn nyst

^۱ رایشلت: *xrttrZKnyt*. سیمزویلیامز معتقد است که این واژه، نام خاص و یا یک عنوان است.

^۲ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد رایشلت: */////////ny*

^۳ رایشلت: *pšt* به معنای «پیان، فرداد». سیمزویلیامز معتقد است که این واژه می‌تواند به صورت *βšt*، *wšt* به کار رود، ولی در اینجا از *ršt* استفاده می‌کنیم، این واژه به همراه قید *čānu* به صورت فعل و به معنای «گفتن و اظهار داشتن» به کار می‌رود.

^۴ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد رایشلت: *βr"m* فعل مضارع اول شخص مفرد است.

^۵ این واژه را رایشلت حرف نویسی نکرده است. رایشلت: *ptm'nh* به معنای «پیان، عهد».

^۶ رایشلت: *////.tw*

^۷ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد رایشلت: *tps*

^۸ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد رایشلت: */////////ny*

^۹ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد رایشلت: *δnk < *θanka*. سیمزویلیامز این واژه را «پشته» معنا کرده است.

^{۱۰} رایشلت: *'ny'mk* به معنای «غذا، معیشت؟، هنگام؟». سیمزویلیامز: *'zy'mk* به معنای «پول».

29 *p'rZY p(r)trw 'zw¹ 'β(z)βr'k β'w 'YKZY wy² HRZ(Y)tn*

30 *ptywšt³ 'YKZYm 'xwrmztkk γyδrp⁴ 'krtw δ'rt⁵*

31 *'HRZYn m(s) ptywš pyšt MN xypδ β(n)tk pryxwt'(w)*

32 *np'xšt ZNH δykh 'č kč'n pr 'δrtyk m'(x)w p 30'k.*

آوانوشت

ar βayu [*pišt*]

xutāw *čan xēpθ*

Sārtaspāw *βandē*

Aspaṇḍatu *parēw* [*xutāw*]

1 *ar βayu xutāw Aspaṇāḍat āfrīwan namāčyu utəti[š šir] mēθ*

2 *xō – ti? went δrūk ančyu šāt(x)u (ə)pu rāfu əxunsundu č[an Fri – xutāw] xēpθī*

3 *βandē ərti – man xō mēθ fratar āt kaḍuti – fan xutē wenān utəti-tan*

4 *ač nazdu namāčyu βarān kaḍuti wēšnu βayānu ərti – m ač čandarsār mēθ*

5 *mēθ (ə)βžtaru patyušt nē frataru ərti – n (ač) (ə)x[urmazdē a]ču nipēsu*

6 *kaḍuti [xutē] [w](it) [a]rt ərti – š aču wimāt '...[...] (py) [...]δ....](n)t*

7 *pwštym_ərti nāy Kačānī (ə)skawām ərti nē ōrδ nē marθ witarām*

^۱ رایشلت: *nw* ^۲ معنای این واژه مشخص نیست. ^۳ رایشلت: *ptxwšt't*

^۴ رایشلت: *γyδβp* به معنای «زیان، آسیب». ^۵ ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد

- 8 *arti maḍa ač (ə)βexār nēst arti Kačānī 4 βand (ə)spēč par frastu*
- 9 *utəti paḍpaḍ[.] 2 zār 5(100) par frastu utəti aḍβ parastak n(..y)t*
- 10 *utəti 5 parastak rise utəti ½ stēr nāk(a)rtak arti kaḍu γāwtus*
- 11 *ač kačān witart arti – š piš witartēm arti – m āya[tēm] at*
- 12 *θruwān arti – m βēksār paryaštu (āy)[a](βd) arti – n (p.) [.] . γāwtus*
- 13 *p'rštč rāθu wītē arti-man xā šāwēt nyznyt'y arti*
- 14 *γarfī Suyd[ī]k āmātē wimāt xō – ti – tan niž(i)tē arti nē niž(i)t
(ə)kṛtand*
- 15 *pār(u)ti xō γāwtus (a)wi γarī witart arti – n at θurwān pattāw par(u)ti*
- 16 *mandz – γāmē wimātand arti – t patwēdam ač əprak (ə)ma sarḍ(mān)ēt*
- 17 *pār(u)ti ny [.]δ[.].. əspyēšē (ə)skawam Kčānī arti – m [..]....[...]. .*
- 18 *arti – m ny..]ʷ kun(ē)[n]d arti – m (a)wi '(βy)[.]γ(w) [..].[.] k(β)
[...].”sry*
- 19 *βirand [ərt]i – mn par [.]'(z)mw (ə)βžāwēnd arti [.]'.[.] . kāḍyu [] (ə)βžβarē*
- 20 *ūm ərt[i]mn. [..]y .[....](ʹtk) yu čy(r)[.]tn [..]. arti – m*
- 21 *čānu paty[u]št xarastarang ti – t 20 stēr nāk(ar)tak partu [ḍār](t) arti
čānu*
- 22 *rašt βrām – ut arti-m ḍβartu ḍārt awu nāk(ar)taku arti – m patmāt*
- 23 *arti 4½ stēr (ə)spat arti – m ptβršt (k)aḍūti – m (20) s(tēr) [fras](t)ātu*
- 24 *ḍārt (ə)čuti – m 4½ stēr ḍβarē arti čānu waydu*
- 25 *ḍārt Aspaṇḍat ti – m anβartu ḍārt awi rāθī arti – m ḍβrtu*

26 *δā(rt) erti čānu waydu dārt 7½ s nāk(ar)tak erti – m par 4 ster 4 dang*

27 *'st(k)[.](m) (ə)β[y]art erti (a)wi šāwētī xō nāk(ar)tak*

28 *āit pār(u)ti čānu waydu dārand (ə)zyāmē ti – n nēst*

29 *pār(u)ti frataru azu (ə)βžβarē βāw kađuti wi erti – tan*

30 *patyuštāt kađuti – m (ə)xurmazdē γišp (ə)krtu dārt*

31 *erti – n mas patyušša pišt čan xēpθ βandē Fri – xutāw*

32 *nipaxšt yu deγ ač Kačān par (ə)štik māxu p 30'k.*

برگردان

نشانی نامه:

از: بندهٔ شما فری-خوتاو^۱

به: خداوندگار [= جناب سرور] اسپندات^۲ سرکاروان سالار

۱. به خداوندگار [= جناب سرور] اسپندات – کاروان سالار – آفرین ، نماز ، پس او را روز خوب [باشد].

۲. که می‌بیند ترا تندرست، آرام، شادمان، بدون بیماری و خشنود. از [طرف] بندهٔ شما فری – خوتاو.

۳. و برای من، آن روز بهتر خواهد بود چون تو را می‌بینم و تو را

۴. از نزدیک نیایش آورم [= کم] چون خدایان را پس من از داخله [= کشور چین از نظر سغدیان مهاجر] روز به روز

۵. [اخبار] بدتر می‌شنوم نه بهتر و هر چه می‌نویسم از [طرف] هر مزد^۳

۶ چنانچه رهسپار شود و چه او بود تنها

۷. و بنگر در گوزانگ^۴ می‌مانم پس اینجا و آنجا رهسپار نمی‌شوم

^۱ *fri-khwatāw*

^۲ *aspandhāt*

^۳ *akhurmaztakk*

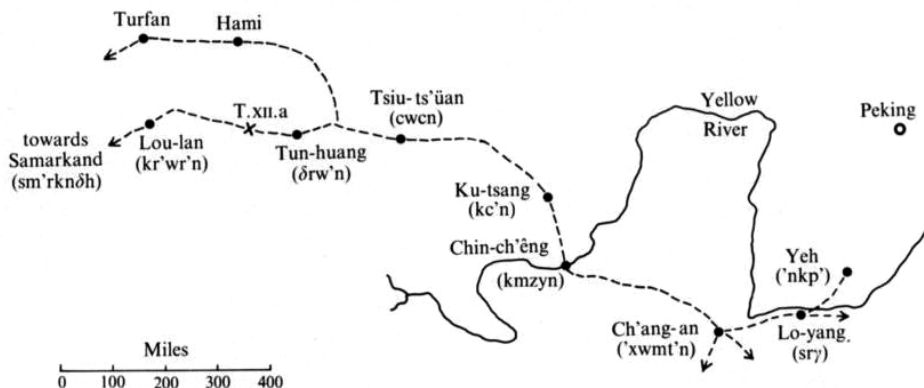
^۴ نخستین بار رایشلت متوجه شد که **کچان**، همان شهر **گوزانگ** است.

۸. پس از اینجا کاروانی نیست [= نمی‌گذرد] و در گوزانگ چهار بسته فی برای ارسال
۹. و دو هزار و پانصد فلفل برای ارسال و یک جفت پراستاک^۱
۱۰. و پنج پراستاک برنج و نیم استاتر نقره و چون گاوئوس از
۱۱. گوزانگ رهسپار شد پس از او راهی شدم و من آمدم به
۱۲. دون-هوانگ و مانع آوارگی من در خارج [چین] شد و گاوئوس
۱۳. راهی راست دید [= یافت] پس ما «سیاهان» را درک کردیم [= دیدیم]
۱۴. و سغدیای بسیاری، که آماده رفتن شدند و نتوانستند بروند
۱۵. زیرا گاوئوس به [سمت] کوهستان رهسپار شد و در دون-هوانگ ماندم زیرا
۱۶. [مردمان] سغد نیازمند بودند و من نیاز به یاری اپراک دارم
۱۷. زیرا خدمت می‌کند در گوزانگ هستم و مرا
۱۸. و مرا مجبور می‌کنند و من
۱۹. به دست آورند و افزایش دهند و خیلی بیچاره هستم
۲۰. و
۲۱. و من چنین شنیدم: خرس‌ترنگ بیست استاتر نقره به شما بدهکار است
۲۲. چنین اظهار داشت: می‌آورم پس نقره را به من داد و آن را وزن کردم
۲۳. چهارونیم استاتر کامل، پس من پرسیدم چون برای من بیست استاتر فرستاده‌است.
۲۴. چرا به من چهارونیم استاتر دادی؟ و چنین گفت:
۲۵. اسپندات، مرا در راه یافت [= دید]
۲۶. و به من داد پس چنین گفت: هفتونیم استاتر نقره [است] و برای چهار استاتر من
- چهار پشته
۲۷. گرفتم و سیاه‌ها نقره گرفتند
۲۸. پس چنین گفتند: پولی نیست
۲۹. پس بهتر [است] من بدبخت باشم چنانکه و شما
۳۰. بشنوید چون هرمزد به من آسیب رسانده‌است

۳۱. و نیز شما بشنوید از [طرف] بنده فری-خوتاو

۳۲. نوشته شد این نامه از گوزانگ به روز سی از ماه سوم.

Sketch-map of the eastern end of the silk route, showing (in parentheses) the Sogdian forms of place-names occurring in the "Ancient Letters."



تصویر شماره ۱

(Encyclopedia Iranica)



تصویر شماره ۲

(Stein, 1921: 4/333)

کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.
- تفضلی، احمد/آموزگار، ژاله (۱۳۷۷)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۰)، جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی، تهران: فروهر.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۴)، فرهنگ سغدی، تهران: فرهنگستان.

- Bartholomae, Chr. (1904), *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
- Gerrchevitch, I. (1961), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.
- Henning, W. B. (1948), "The Date of the Sogdian Ancient Letters", *Bulletin of the School of Oriental and Africa Studies*, Vol. 12: 601–615
- Mackenzie, D. N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.
- Nyberg, H. S. (1974), *A Manual of Pahlavi: Glossary*, Wiesbaden.
- Reichelt, H. (1931), *Die Soghdischen Handschriftenreste Des Britischen Museums in Umschrift und mit Übersetzung*, Heidelberg.
- Sims-Williams, N./Grenet, F./De la Vaissière, É. (2001) "The Sogdian Ancient Letter", *Alexander's Legacy in the East: Studies in honor of Paul Bernard*, *Bulletin of the Asia Institute*, Vol. 12: 91–104.
- Stein, A. (1921), *Serindia: Detailed Report of Explorations in Central Asia and Westernmost China* (Vol. 2, 4), Oxford.

Translation and Review of a non-Religious Sogdian Text (Fifth Letter of Sogdian)

Saeed Nazari
Islamic Azad University, Sanandaj

Abstract

There is no trace of the Sogdian language in the ancient period of the Persian languages. However, in the Middle Ages, there are several works of this language, one of the most important of which is the ancient Sogdian letters. Sir Aurel Stein found the ancient Sogdian letters in 1907 in one of watch-towers of the Great Walls of China. These documents consist of 5 complete letters and 4 letter-like fragments. The fifth letter was written by a man named *Fri-khwatāw* from *Guzang* to *Aspandhāt* of Khotan on May 11, 313 AD. This letter includes the names of products such as silver, linen, a kind of unprocessed fabric, pepper, etc. In the present article, the author has read and translated this letter.

Keywords: *Sogdia, Ancient Sogdian Letters, Fifth Letter*